



Comparative Study of the Right to Education of Children from the perspective of the Convention on the Rights of the Child and the Constitutional Law of Iran

Milad Kashi Komijani,¹ Mahdi Rajaei²

Master's student of public law at Qom University, (Corresponding Author) Email: M. Kashi@stu. qom. ac. ir
Associate Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, Qom University, Email: Mahdi. rajaei@yahoo. com

Abstract

The right to education is one of the basic and fundamental rights that is considered among the basic human rights. This right has been emphasized at the global level under conventions, international covenants, the Universal Declaration of Human Rights and the Constitutional Law of countries including Iran. The international community's effort to protect children led to the ratification of the Convention on the Rights of the Child, which Iran joined in 1993. The Convention on the Rights of the Child, as a global convention, has established criteria for the right to education and obligations for the member countries of the convention, including: non-discrimination, free education, compulsory education and the use of education for life. These principles are also crystallized in Iranian law from including Article 30 of the Iranian Constitution. The constitution, which is the most basic and main law of the country, emphasizes the right to free education and training for all children. In view of this, the important question is whether the protections provided of children's right to education in the Convention on the Rights of the Child and the Constitutional law Iran guarantee their needs? According to Articles 28 and 29 of the Convention and Article 30 of the Constitution, primary education should be compulsory, free and accessible to all. If there is no request to have the right to education for children, the only way to have this right is to protect and guarantee all the rights made in the present convention. In this article, we are trying to study this issue in detail with a practical-descriptive method.

Keywords: the right to education, fundamental human rights, the Universal Declaration of Human Rights, Constitutional Law; the Constitution of Iran; Convention on the Rights of the Child.

Received: 2024/02/09; **Revised:** 2024/04/23; **Accepted:** 2024/05/14; **Published online:** 2024/06/21.

How To Cite: Kashi Komijani Milad, Rajaei Mahdi (2024) Comparative Study of the Right to Education of Children from the perspective of the Convention on the Rights of the Child and the Constitutional Law of Iran, *Journal of Comparative Public Law*, 1(2). 111-130.

doi.org/ 10.22091/CPL.2024.10391.1012

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



مطالعه تطبیقی حق بر آموزش کودکان از منظر کنوانسیون حقوق کودک و حقوق اساسی ایران

میلاد کاشی کمیجانی^۱، مهدی رجائی^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه قم، (نویسنده مسئول)؛ ایمیل: M. Kashi@stu. qom. ac. ir

استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم؛ ایمیل: Mahdi. rajaei@yahoo. com

چکیده

حق آموزش یکی از حقوق اساسی و بنیادین است که در زمره حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود. این حق در سطح جهانی، ذیل کنوانسیون‌ها، میثاق‌های جهانی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق اساسی کشورها از جمله کشور ایران مورد تأکید قرار گرفته است. همت جامعه جهانی در راستای حمایت از کودکان منجر به تصویب کنوانسیون حقوق کودک گردید که ایران در سال ۱۳۷۲ به آن پیوست. کنوانسیون حقوق کودک به‌عنوان یک کنوانسیون جهانی، معیارهایی برای حق آموزش و الزاماتی برای کشورهای عضو کنوانسیون مقرر نموده است؛ از جمله آن‌ها: عدم تبعیض، تحصیل رایگان، تحصیل اجباری و به‌کارگیری آموزش‌هایی جهت زندگی است. این اصول در حقوق ایران از جمله اصل ۳۰ قانون اساسی ایران نیز تبلور یافته است. قانون اساسی که بنیادی‌ترین و اصلی‌ترین قانون کشور است بر حق تحصیل و آموزش رایگان برای تمام کودکان تأکید می‌کند. با توجه به این موضوع، این سؤال مهم مطرح می‌شود که آیا حمایت‌های صورت گرفته از حق آموزش کودکان در کنوانسیون حقوق کودک و حقوق اساسی ایران تضمین‌کننده نیازهای آنان است؟ با توجه به ماده ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون و اصل ۳۰ قانون اساسی، آموزش و پرورش ابتدایی باید اجباری و رایگان و در دسترس همه باشد. در صورت عدم تقاضای برخورداری از حق آموزش و پرورش برای کودکان، تنها راه برخورداری از این حق، حفاظت و تضمین تمام حقوق ساخته شده در کنوانسیون حاضر است. در این مقاله سعی داریم با رویکرد توصیفی-پژوهشی به مطالعه جزئی این موضوع بپردازیم.

واژگان کلیدی: حق آموزش، حقوق بنیادین بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق اساسی، قانون اساسی ایران، کنوانسیون حقوق کودک.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

استناد: کاشی کمیجانی میلاد، رجائی مهدی، (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی حق بر آموزش کودکان از منظر کنوانسیون حقوق کودک و حقوق اساسی ایران، *مجله حقوق عمومی تطبیقی*، ۲۱(۲)، ۱۱۱-۱۳۰.

doi.org/ 10.22091/CPL.2024.10391.1012

ناشر: دانشگاه

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان



مقدمه

در سال ۱۹۲۴ جامعه ملل اعلامیه حقوق کودک که به اعلامیه ژنو معروف است را مورد تصویب قرار داد. البته این اعلامیه به شکلی واضح و صریح از حق آموزش حمایت نکرده و تنها به صورت ضمنی به این حق اشاره نموده بود. اصول ذکر شده در این اعلامیه پایه و اساس شکل‌گیری اسناد بعدی در زمینه حقوق کودک قرار گرفت. از جمله اعلامیه ۱۹۵۹ حقوق کودک که به شکلی دقیق‌تر و جزئی‌تر به بررسی حق آموزش کودکان پرداخته است (شریفی، ۱۳۸۹: ۵۲). کنوانسیون حقوق کودک سال ۱۹۸۹ نیز از آموزش در ماده ۲۸ خود با ذکر مقاطع تحصیلی از حق آموزش کودکان حمایت کرده و در ماده ۲۹ اهداف آموزش از جمله پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانایی‌های کودک، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و... را ذکر می‌نماید. فقدان تعریف واحد از آموزش مطلبی است که در کنفرانس جهانی آموزش برای همه^۱ (EFA) که در سال ۱۹۹۰ برپا شد نیز بدان اشاره شده است و تفاوت داشتن معیارهای مختلف در جوامع گوناگون را از جمله دلایل این امر عنوان کرده است.

در ایران نیز در دوره در متمم قانون اساسی مشروطه، تأسیس مدارس به مخارج دولت و تحصیل اجباری پیش‌بینی شده بود. در مجلس دوم، قانون اداری و اساسی فرهنگ وضع شد و تمام مدارس تحت نظارت دولت درآمد و مقرر گردید که آموزش ابتدایی برای کودکان اجباری شود. برپایی مکاتب، افزایش مدارس، تدارک مقدمات تعلیم اجباری و رایگان همگی جزء اهداف دولت در این دوره بودند که به سبب اغتشاشات سیاسی محقق نشدند؛ اما با پیدایش ثبات نسبی در اوضاع سیاسی و اداری و تلاش حکومت جهت بسط تعلیمات، تعداد مؤسسات آموزشی افزایش یافت و قوانینی جهت تهیه بودجه و تخصیص آن به مدارس تصویب شد. این کنوانسیون‌ها به مرور اثر خود را بر قوانین اساسی دیگر کشورها نیز گذاشت و آموزش رایگان برای کودکان به یکی از اصول تخلف‌ناپذیر قوانین اساسی مبدل شد.

در حقوق ایران قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی (مصوب ۱۳۵۳) مفصل‌ترین قانون در زمینه حقوق تحصیلی اطفال است. بر اساس ماده ۲ این قانون در هر محل که موجبات تحصیل مراحل تعلیمات ابتدایی و راهنمایی که اجباری و مجانی است فراهم و اعلام شده باشد پدر یا مادری که وظیفه نگهداری و تربیت کودک بر عهده اوست وظیفه دارد درباره ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل کودک تحت سرپرستی خود اقدام کند و در صورتی که از انجام این وظیفه خودداری نماید، وزارت آموزش و پرورش بر مبنای آمار ارسالی اداره کل ثبت احوال نسبت به ثبت نام کودک واجد شرایط تحصیل اقدام خواهد کرد.

۱. کنفرانس جهانی آموزش برای همه در سال ۱۹۹۰ میلادی در شهر جامتین تایلند به همت پنج سازمان بین المللی یونسکو، یونیسف، صندوق جمعیت سازمان ملل، بانک جهانی و برنامه عمران ملل متحد برگزار گردید.

اما سؤالاتی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا مؤلفه‌های برشمرده شده در آموزش کودکان برای رشد کودک و دستیابی به هدف بهبود زندگی او در آینده کفایت می‌کند؟ و یا این امر مبتنی بر بهره‌مندی فرد از آموزش در مقاطع دیگر است؟ قوانین کشورهای چه رویه‌ای را در این خصوص اتخاذ کرده‌اند؟

در باب این موضوع پروفیسور دتريک شارون مقاله‌ای با عنوان تفسیر کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک نوشته است و به تفسیر حقوق کودک در این کنوانسیون، پرداخته است و دکتر ناهید بلیغ در مقاله‌ای با عنوان کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران به راهکارها و فواید کنوانسیون حقوق کودک نسبت به حقوق ایران پرداخته است. ولی در این مقاله با مطالعه و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و علمی قصد داریم با روش توصیفی - پژوهشی به مطالعه تطبیقی حق بر آموزش کودکان بپردازیم.

۱. گستره حق بر آموزش

حق بر آموزش غالباً در چهارچوب حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طبقه‌بندی می‌شود؛ اما باید توجه نمود که آموزش تمام فعالیت‌هایی دانش‌افزا، مهارتی و اخلاقی است که به‌وسیله یک گروه انسانی به نسل‌های بعدی داده می‌شود تا آن گروه به‌وسیله این آموزش‌ها زیست بهتری داشته باشد. این حق تنها در زمره حقوق حمایتی نیست و شامل آزادی انتخاب نیز می‌شود. از این‌رو، یک حق منفی نیز محسوب می‌گردد. با این‌همه آنچه در حقوق بشر معاصر از این حق مطمح نظر است، نگرش به این حق به‌عنوان یک حق مثبت است، حق ادعایی در برابر دولت که لازمه آن مسئولیت دولت در خصوص آن است.

حق آموزش در اعلامیه‌ها و اسناد متعددی جلوه یافته است و در کنار حق‌هایی مانند حق بر سرپناه، غذا و بهداشت قرار گرفته است که نشان از اهمیت فراوان این حق در میان حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد؛ چراکه آموزش از یک‌سو نقش مهمی در توانمندسازی افراد و آماده نمودن آن‌ها برای شرکت در زندگی اجتماعی دارد و فرد محروم از آموزش به‌سختی می‌تواند در جامعه به رشد و پیشرفت نائل آید.

از سوی دیگر آموزش هم به‌عنوان یک حق بشری و هم به‌عنوان وسیله‌ای ضروری برای فهم سایر حقوق بشری نقش و کارکردی چندگانه دارد. آموزش وسیله‌ای بنیادین است که توسط آن بزرگسالان و کودکان کم‌درآمد و حاشیه‌نشین می‌توانند سطح زندگی خود را ارتقا دهند و در جامعه مشارکتی جدی داشته باشند. آموزش می‌تواند نقش بسیار مهمی در توانمندسازی زنان، محافظت از کودکان در برابر بهره‌کشی اقتصادی و سو استفاده‌های جنسی، ارتقا حقوق بشر و دموکراسی، محافظت از محیط‌زیست و کنترل رشد جمعیت داشته باشد (ذبیحی، ۱۳۹۵: ۸۳).

۲. حق بر آموزش از دیدگاه اسناد بین‌المللی

این حق در اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲۶)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی (مواد ۱۳ و ۱۴)، کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۲۸)، کنوانسیون اروپای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (ماده ۲ پروتکل اول) و بسیاری دیگر از اعلامیه‌ها و اسناد جهانی و منطقه‌ای مورد تصریح قرار گرفته است. با این همه، هنوز بسیاری از افراد از دسترسی به این حق مهم محروم هستند. نزدیک به نود و سه میلیون کودک در جهان از دسترسی به آموزش محروم هستند. همچنین بیش از ۷۶۰ میلیون از بزرگسالان در سراسر جهان از دسترسی به آموزش محروم مانده‌اند (انوشه، ۱۳۸۹: ۴۵).

در چنین وضعیتی حق بر آموزش پایه از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ چراکه این حق در چهارچوب حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از قدرت توجیهی و مبانی مناسبی بهره می‌برد و به عنوان یک تعهد برای دولت‌ها از قابلیت تضمین و اجرای بیشتری برخوردار است. کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نیز در تفسیر عمومی شماره ۱۳ خود حداقل‌های آموزشی را به عنوان تعهد بنیادین حداقلی دولت‌ها به شمار آورده و اعلام نموده که عدم رعایت این حداقل، نقض میثاق محسوب می‌گردد.

۳. کنوانسیون حقوق کودک

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۹ اعلامیه‌ای را در زمینه حقوق کودکان منتشر نمود که در آن سعی شده بود تا از تمام جنبه‌های مختلف حقوق کودکان حمایت شود؛ اما از آنجاکه این اعلامیه برای کشورها آن‌چنان که باید و شاید تعهد اجرایی ایجاد نمی‌کرد، وجود یک سند قانونی در این زمینه که بتواند به شکلی شایسته از حقوق کودکان حمایت کند، ضروری به نظر می‌رسید. اعلامیه ۱۹۵۹ سازمان ملل ارزشی فقط در حد قطعه‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد داشت و آن‌چنان‌که انتظار می‌رفت قادر به حمایت از حقوق کودکان نبود. از طرف دیگر افزایش استثمار و سوءاستفاده از کودکان و ظلم در حق آنان نیاز به وجود یک سند بین‌المللی را ضروری‌تر جلوه می‌داد تا اینکه در سال ۱۹۷۸ کشور لهستان سازوکارهایی را در خصوص حمایت از کودکان مطرح کرد و پیش‌نویسی را آماده نمود و تحویل کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد داد. این پیش‌نویس توسط دبیرکل سازمان ملل به کشورها و سازمان‌های عضو ارائه شد تا نظرات خود را در این زمینه ارائه دهند (بلیغ، ۱۳۸۳: ۴). سرانجام پس از بررسی‌های طولانی و ۱۰ سال بحث و گفتگو میان اعضا در خصوص کنوانسیون، متن آن در سال ۱۹۸۹ در قالب قطعه‌نامه به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. کشور ما نیز در اسفند سال ۱۳۷۲ توسط مجلس شورای اسلامی کنوانسیون را به صورت مشروط تصویب نمود. مشروط بودن آن از این جهت است که دولت ایران شرط الحاق را به این صورت دانسته است که مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان در

تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد.

به عبارتی دولت ایران بین قوانین داخلی و مفاد کنوانسیون مغایرت اساسی قائل نشده است و فقط در برخی موارد جزئی که اختلافی پیش می‌آید، قوانین داخلی و موازین اسلامی را مرجع می‌داند. پس از تأیید شورای نگهبان، دولت ایران سند تصویب را تسلیم سازمان ملل نمود و از تاریخ ۲۲ مرداد سال ۱۳۷۳ مفاد آن لازم‌الاجرا گردید.

تا قبل از تصویب کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، مرز دقیق حقوق کودک به طور دقیق مشخص نشده بود و حمایت‌هایی که باید از این قشر آسیب‌پذیر صورت می‌گرفت، محقق نمی‌شد؛ اما با تصویب کنوانسیون، جامعه جهانی گامی مؤثر روبه‌جلو برداشت و راهکارهایی را جهت حمایت از کودکان و حقوق آن‌ها مشخص نمود. همچنین این وظیفه برای کشورها ایجاد شد تا با تعیین جایگاه کنوانسیون در قلمروشان در جهت اجرا و تحقق اهداف آن گام‌هایی را بردارند (spring jowel, 2005: 128).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کنوانسیون گستردگی و وسعت شمول آن است. به این معنی که مفاد آن همه کودکان جهان را دربر می‌گیرد، بدون آنکه به جنسیت آن‌ها یا گروه قومی یا نژادیشان توجهی داشته باشد. همچنین این کنوانسیون سعی در حمایت از حقوق کودکان در تمامی وجوه و جنبه‌های مختلف آن دارد. بین اصول این کنوانسیون سلسله‌مراتب وجود نداشته و هیچ اصلی بر دیگری برتری ندارد.

۴. تفسیر مواد مرتبط کنوانسیون در خصوص حق آموزش

۴-۱. تفسیر ماده ۲۸

توجه به حق آموزش کودکان همچون سایر حقوق آن‌ها از جمله مباحث مورد توجه کنوانسیون است. کنوانسیون در مواد ۲۸ و ۲۹ خود به مقوله حق آموزش کودکان پرداخته است. ماده ۲۸ بیان می‌دارد:

۱. کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و بر اساس ایجاد فرصت‌های مساوی اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت:

الف. اجباری و رایگان نمودن تحصیل برای همگان؛

ب. تشویق توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه از جمله آموزش‌های حرفه‌ای و کلی، در دسترس قرار دادن این‌گونه آموزش‌ها برای تمام کودکان و اتخاذ اقدامات لازم از قبیل ارائه آموزش و پرورش رایگان و دادن کمک‌های مالی در صورت لزوم؛

ج. در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان بر اساس توانایی‌ها و از هر طریق مناسب؛

د. در دسترس قرار دادن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و حرفه‌ای برای تمام کودکان؛

ه. اتخاذ اقداماتی جهت تشویق حضور مرتب کودکان در مدارس و کاهش غیبت‌ها.

۲. کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را جهت تضمین اینکه نظم و انضباط در مدارس مطابق با حفظ شئون انسانی کودکان بوده و مطابق با کنوانسیون حاضر باشد، به عمل خواهند آورد؛

۳. کشورهای طرف کنوانسیون همکاری‌های بین‌المللی را در موضوعات مربوط به آموزش و پرورش خصوصاً در زمینه زدودن جهل و بی‌سوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به اطلاعات فنی و عملی و روش‌های مدرن آموزشی، تشویق و افزایش خواهند داد. در این ارتباط به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه خاصی خواهد شد.

این کنوانسیون نیز همچون بیشتر اسناد بین‌المللی موجود در زمینه حق آموزش، مراحل آموزشی را به سه مقطع ابتدایی، متوسطه و عالی تقسیم کرده است و آموزش در مقطع ابتدایی را رایگان و اجباری اعلام نموده و دولت‌ها را موظف می‌کند حتی‌الامکان آموزش در دو مقطع دیگر را نیز به تساوی در اختیار همگان قرار دهند. البته بهره‌مندی از آموزش در مقطع عالی به استعدادها و توانایی‌های افراد بستگی دارد (بلیغ، ۱۳۸۳: ۵).

نکته قابل توجه در خصوص ماده ۲۸ کنوانسیون این است که هیچ‌ذکری از آموزش‌های پایه یا اساسی به میان نیامده است و به نظر می‌رسد این مسئله خلأی در این زمینه است. چراکه دیگر اسناد بین‌المللی که به آموزش‌های پایه یا اساسی اشاره کرده‌اند آن را مختص کسانی می‌دانند که از آموزش‌های دوره ابتدایی محروم بوده‌اند یا آن را تکمیل نکرده‌اند. در حقیقت کنوانسیون با عدم اشاره به آموزش‌های اساسی یا پایه‌ای وضعیت این گروه را بلا تکلیف می‌گذارد و می‌توان گفت مشخص نیست که از منظر کنوانسیون این افراد باید تحت آموزش در مقطع ابتدایی یا در مقطع دیگر قرار بگیرند. اسنادی همچون میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا کنوانسیون مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات علاوه بر اشاره به مقاطع مختلف تحصیلی به آموزش‌های پایه یا اساسی اشاره کرده‌اند و به این ترتیب از بزرگسالانی که از آموزش ابتدایی بهره‌مند نشده‌اند نیز حمایت نموده‌اند. این مطلب ضعیفی است که در این ماده از کنوانسیون ملاحظه می‌گردد (Verhellen, 2001: 22).

در قسمت ب از بند اول ماده ۲۸ به «آموزش حرفه‌ای و کلی» که از مصادیق آموزش متوسطه بوده اشاره شده است. تمامی اسناد دیگر که به مقوله حق آموزش کودکان پرداخته‌اند از عبارت «آموزش فنی و حرفه‌ای» استفاده نموده‌اند. مقصود از آموزش فنی و حرفه‌ای تعلیم مهارت‌های مورد نیاز به کودکان و مسائلی است که در زمینه کار استفاده از آن‌ها ضرورت پیدا می‌کند؛ اما در مورد اینکه مقصود از آموزش‌های کلی چیست و این نوع آموزش چه مسائلی را شامل می‌گردد، تبیین نشده است. اما به نظر می‌رسد از آنجاکه این نوع آموزش در کنار آموزش‌های حرفه‌ای آمده است، مفهومی تقریباً مشابه با آن دارد؛ یعنی مقصود از آموزش کلی، مهارت‌هایی است که فرد در زندگی روزمره و در مواجهه با مسائل مختلف به آن‌ها نیاز پیدا می‌کند. آموزش مسائلی همچون روش‌های حل مسائل و مشکلات روزمره، چگونگی استفاده از تکنولوژی‌های روز و... را می‌توان جزء

آموزش‌های کلی تلقی نمود که این امور غالباً ذیل آموزش‌های متوسطه و عالی قرار می‌گیرد و از این جهت می‌توان این ماده از کنوانسیون را مشعر بر شمول حق بر آموزش بر آموزش‌های متوسط و عالی نیز دانست.

۲-۴. تفسیر ماده ۲۹

ماده ۲۹ کنوانسیون نیز بیان می‌دارد:

۱. کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌کنند که موارد ذیل باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشد؛
 - الف. پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی کودکان.
 - ب. توسعه احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اصول مذکور در منشور سازمان ملل.
 - ج. توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های ادبی و ملی کشوری که در آن زندگی می‌کند، به موطن اصلی کودک و به تمدن‌های متفاوت با تمدن وی.
 - د. آماده کردن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه و در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای مملو از تفاهم، صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه‌های قومی، مذهبی و ملی و اشخاص دیگر.
 - ه. توسعه احترام نسبت به محیط طبیعی.
 ۲. از هیچ‌یک از بخش‌های این ماده و ماده ۲۸ نباید چنین تعبیر شود که مداخله‌ای در آزادی افراد و ارگان‌ها برای تأسیس و اداره مؤسسات آموزشی که همواره طبق اصول ذکر شده در پاراگراف ۱ این ماده و با شرط ارائه آموزش مطابق با حداقل استاندارد ذکر شده توسط دولت ایجاد می‌شوند، تلقی شود.
- این ماده از کنوانسیون به بیان اهدافی که از آموزش متصور است، می‌پردازد. بند ۱ این ماده با ذکر این چینی اهداف آموزش بر «کودک محوری» در پروسه آموزش تأکید می‌نماید (Detrick, 1999: 18).
- آموزشی که کودک حق بهره‌مندی از آن را دارد، آموزشی است که استعدادها و توانایی‌های کودک را هم به لحاظ جسمی و هم به لحاظ ذهنی شکوفا می‌کند، به او مهارت‌هایی که در طول زندگی روزمره به آن‌ها نیاز پیدا می‌کند را بیاموزد و احترام به والدین، هویت فرهنگی، ارزش‌های ملی و ادبی را به او یادآور می‌گردد. در این راستا می‌توان گفت صرف دسترسی کودکان به آموزش و قائل بودن حق آموزش برای آن‌ها کافی نیست؛ بلکه کیفیت آموزش و تعالیمی که به کودک داده می‌شود نیز نکته مهم و قابل توجهی است که نمی‌توان اهمیت آن را کمتر از اصل حق بر آموزش دانست.

بنابراین آنچه به‌طورکلی در رابطه با این ماده می‌توان گفت این است که کنوانسیون سعی در از بین بردن تمام مرزهای قومی، ملی، مذهبی در زمینه آموزش دارد؛ به این معنا که اولاً، حق آموزش را برای همه کودکان بدون هرگونه تبعیضی به رسمیت می‌شناسد. در این خصوص نباید تفاوتی بین دختران و پسران، کودکان معلول جسمی یا ذهنی با کودکان عادی و... قائل بود؛ ثانیاً، اینکه سعی در آموزش دادن اصل «عدم تبعیض و برابری» به کودک دارد و این را می‌توان به شکلی واضح از قسمت‌های ج و د بند اول ماده استنباط نمود.

از آنجاکه مطالب ذکر شده در این ماده تقریباً به صورت کلی بیان شده و جزئیات آن‌ها دقیقاً مشخص نشده، ممکن است بعضی کشورها از قانون‌گذاری در این زمینه اجتناب نمایند، اما کمیت‌ای که جهت تفسیر کنوانسیون حقوق کودک در سال ۲۰۰۱ تشکیل شد، در تفسیر خود با عنوان 'aims of education' به کشورها اکیداً توصیه نموده است که در جهت اجرای مقررات موجود در ماده ۲۹، قوانین و مقرراتی را در کشورشان تنظیم نمایند. همان‌طور که بیان شد، مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون بیانگر مفهوم گسترده‌ای از آموزش بوده و اهمیت قابل توجهی نسبت به کیفیت آموزش‌ها داشته است که این مسائل در راستای دستیابی به هدف ارتقاء کیفیت زندگی افراد است؛ اما تحقق این هدف نیازمند آموزش‌هایی فراتر از ابتدایی است. زیرا گستردگی آموزش و بالا بودن کیفیت آموزشی در آموزش‌های فراتر از سطح ابتدایی محقق می‌گردد. زیرا ارتقاء آموزشی وابستگی زیادی با سطح آموزشی دارد و کیفیت آموزش در سطوح بالای آموزشی مصداق می‌یابد. چنان‌که کیفیت در سطوح ابتدایی با توجه به بسط بودن مفاهیم در این آموزش‌ها خیلی قابل طرح نیست. بنابراین با توجه به تفاسیری که از مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک بیان شد، می‌توان گفت این دو ماده که در خصوص حق آموزش بحث می‌کند، دلالت ضمنی بر حمایت از آموزش فراتر از سطح ابتدایی نیز دارد؛ چه‌آنکه تحقق اهدافی که در این دو ماده بیان شده است، مبتنی بر آموزش‌هایی فراتر از آموزش‌های ابتدایی است.

۵. آموزش اجباری و رایگان و همگانی

همان‌گونه که پیشتر نیز مورد اشاره قرار گرفت، پیشرفت‌های جوامع امروزی و تنوع نیازهای بشر باعث شده است تا به امر آموزش بیش از پیش توجه شود و چون این نیازها برای همه انواع بشر در هر نقطه‌ای وجود دارد؛ لذا آموزش در سطح همگانی مطرح می‌شود. در جوامعی که اصل آموزش همگانی پذیرفته شده است، بهره‌مندی از سقف معینی از آموزش حق همه افراد تلقی می‌شود و نهادهای که مسئول تعلیم و تربیت عمومی است، موظف است تا وسایل بهره‌مندی افراد از این حق را فراهم کند. به دنبال اصل همگانی بودن آموزش ۲ اصل دیگر مطرح می‌شود که اجباری و رایگان بودن آموزش است. هنگامی که جامعه‌ای اصل همگانی بودن آموزش را می‌پذیرد (کاظمی پور، ۱۳۹۴: ۱۲)، برای خانواده‌ها تکلیف و مسئولیت‌هایی ایجاد می‌شود که به موجب آن خانواده موظف است برای تحقق این اصل مشارکت کند و نمی‌تواند فرزند خود را از آن بی‌نیاز بداند. به همین دلیل است که در جوامع مختلف دیده می‌شود که در پی اصل همگانی بودن آموزش، برخورداری از این حق تا نصاب معینی اجباری است. اصل دیگری که با اصل اجباری بودن آموزش گره می‌خورد، رایگان بودن آن است. چراکه نمی‌توان خانواده را مجبور به کاری کرد که تعهد مالی در پی دارد و ممکن است با شرایط مالی و اقتصادی آن برخورد پیدا کند و چه‌بسا نتیجه آن عدم اجرای اصل همگانی بودن آموزش شود.

۵-۱. رایگان بودن آموزش

وظیفه دولت‌ها برای فراهم نمودن آموزش رایگان برای کودکان به تناسب مرحله آموزشی که کودک در آن قرار دارد، متفاوت است. به این معنی که وظیفه آن‌ها در خصوص فراهم نمودن آموزش رایگان در مقطع ابتدایی سنگین‌تر است و مقررات قاطع و الزام‌آوری در این زمینه به چشم می‌خورد؛ ولی در مقطع متوسطه و عالی این قطعیت و شدت عمل کمتر است.

بند ۱ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد که آموزش باید حداقل در مقطع ابتدایی و مراحل اولیه رایگان باشد. ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بیان می‌دارد که دولت‌های طرف کنوانسیون باید آموزش اولیه را اجباری و به صورت رایگان در دسترس همگان قرار دهند. این مطلب در ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک نیز به چشم می‌خورد. مطابق بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌های طرف میثاق که تاکنون قادر نبوده‌اند، آموزش در مقطع ابتدایی را در کشورشان اجباری و رایگان کنند باید طی یک دوره ۲ ساله برنامه‌ای را تدوین کرده و در سرتاسر قلمرو خود آن را اجرا نمایند. ماده ۱۴ میثاق بیان می‌دارد که دولت‌ها باید مدت زمانی را برای اجباری و رایگان نمودن آموزش ابتدایی و اولیه صرف کنند و همچنین دلایلی که این مدت زمان را توجیه کند، در این برنامه ذکر نمایند. کشورهایی که اصول آموزش اولیه اجباری و رایگان را پذیرفته‌اند؛ ولی هنوز آن را اجرا نکرده‌اند نیز باید این برنامه را تهیه و تدوین نمایند (مؤتمنی طباطبایی، ۱۳۸۲: ۳۲۲).

قانون اساسی کشور ایران نیز در اصول ۱۳ و ۲۳۰ خود به حمایت از اصل رایگان بودن آموزش پرداخته است. در بند سوم از اصل سوم قانون اساسی دولت موظف شده است آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان را برای همه در تمام سطوح فراهم نموده و آموزش عالی را تعمیم داده و تسهیل نماید.

همچنین اصل سی‌ام قانون اساسی بیان می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.»

با مطالعه بند سوم از اصل سه برخی ابهامات به ذهن می‌رسد و مهم‌ترین سؤالی که مطرح می‌گردد این است که وظیفه دولت در خصوص ارائه آموزش و پرورش رایگان کدام سطوح آموزشی را در بر می‌گیرد؟ چراکه در قسمت

۱. اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی را محیا کند.

۲. اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

ابتدایی این بند دولت موظف شده است که آموزش و پرورش رایگان را برای همه در تمام سطوح فراهم نماید؛ اما در ادامه ماده از تعمیم و تسهیل آموزش عالی سخن به میان آمده است. سؤال اینجاست که وظیفه ارائه آموزش و پرورش رایگان تمامی سطوح و حتی آموزش عالی را در بر می‌گیرد یا قسمت دوم این بند به منزله تخصیصی بر قسمت اول است؟ با در نظر داشتن صرف اصل سوم قانون اساسی هر دو برداشت زیر قابل دفاع است: نخست، وظیفه دولت در خصوص ارائه آموزش رایگان شامل تمام سطوح آموزشی شده و به مقطع عالی نیز تسری می‌یابد و تعمیم و تسهیل این نوع آموزش ضمن ارائه آن به صورت رایگان است و تخصیصی به قسمت اول تلقی نمی‌گردد؛

دوم، وظیفه دولت‌ها در زمینه ارائه آموزش رایگان فقط شامل مقاطع ابتدایی و متوسطه شده و قسمت دوم این بند به منزله تخصیص قسمت اول است. به عبارت دیگر، قانون‌گذار در قسمت ابتدایی این بند قاعده کلی را بیان نموده که همان رایگان بودن آموزش در تمام سطوح است و در قسمت دوم با این بیان که آموزش عالی باید تعمیم و تسهیل یابد، قاعده خاصی که در خصوص آموزش عالی وجود دارد را مطرح نموده است (اسدی نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

همان‌گونه که پیش‌تر نیز مورد اشاره قرار گرفت، چنانچه بند سوم اصل سه قانون اساسی به تنهایی در نظر گرفته شود وجود ابهامات مطروحه اجتناب‌ناپذیر است، اما چنانچه اصل سی‌ام قانون اساسی ایران را در کنار اصل مذکور قرار دهیم این یقین حاصل می‌گردد که ارائه آموزش به صورت رایگان در تمامی سطوح آموزشی حتی مقطع عالی، وظیفه دولت در قانون اساسی شمرده شده است. قسمت دوم این اصل صراحتاً بیان می‌دارد که گسترش وسایل تحصیلات عالی تا سر حد خودکفایی کشور به صورت رایگان، از جمله وظایف دولت در زمینه آموزش و پرورش است و تعیین حد خودکفایی نیز بر عهده دولت است که این امر را می‌توان در تعریف این رشته‌ها در دانشگاه‌های دولتی تعیین کند.

یعنی دولت با توجه به نیازهای کشور به هر رشته‌ای سیاست‌های آموزشی خود را تنظیم می‌کند و با توجه به این نیازها تعداد این رشته‌ها و ظرفیت‌های آن را دانشگاه‌های دولتی مقرر می‌دارد. البته این امر نمی‌تواند به بحث آموزش لطمه‌ای وارد کند؛ زیرا افراد می‌توانند در صورت تمایل به تحصیل در این رشته‌ها، تحصیلات خود را در دانشگاه‌های غیردولتی پی بگیرند.

در نقطه مقابل برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که دولت موظف است آموزش و پرورش رایگان را در تمامی سطوح آموزشی و از جمله آموزش عالی ارائه دهد، تأسیس مدارس و دانشگاه‌های غیردولتی که اداره آن‌ها از طریق وصول شهریه است خلاف اصلی سی‌ام قانون اساسی به نظر می‌رسد و از این جهت که راه برای ادامه تحصیل قشر مرفه گشوده شده و در حق طبقات متوسط و ضعیف جامعه اجحاف تلقی می‌گردد با اصولی همچون

اصل ۱۹،^۱ اصل ۲۰ و بند نهم اصل سوم قانون اساسی ایران در تضاد قرار دارد (هاشمی، ۱۳۸۳: ۲۱۸). معتقدین به این نظر باید پاسخ درخوری به آزادی افراد در آموزش نیز داشته باشند. چه آنکه یکی از وظایفی که دولت علاوه بر مهیا کردن آموزش های سطح عالی بر عهده دارد.

وظیفه تأمین آزادی افراد در آموزش و فراهم آوردن شرایطی برای همه افرادی است که علاقه به تحصیل در رشته ای خاص را دارند. حال دولت در راستای انجام وظایفی که قانون اساسی در حوزه آموزش بر عهده او قرار داده است، در قسمتی که کشور به آن رشته نیاز دارد، اقدام به نخبه گزینی کرده و هزینه آموزش و تحصیل را فراهم می آورد که این امر غالباً به وسیله تشکیل این رشته ها در دانشگاه های دولتی انجام می شود. در مقابل وظیفه دیگری نیز بر عهده دارد که همانا ایجاد شرایطی برای آزادی افراد در آموزش است. دولت این شرایط را ذیل مراکز غیردولتی فراهم می کند تا افراد بر اساس علایق خود بتوانند ادامه تحصیل دهند و این امر مغایرتی با وظیفه دولت بر ایجاد فضای آموزشی رایگان ندارد. در همین راستا شورای نگهبان نیز در نظریه تفسیری که در این خصوص داشته است، ایجاد مراکز آموزشی غیردولتی را مغایر اصول قانون اساسی ندانسته است.

۲-۵. اجباری بودن آموزش

درست است که در سطح بین المللی ارائه آموزش برای کودکانی که وارد سن خاصی می شوند. از جمله وظایف دولت ها شمرده شده است؛ اما واقعیت در مورد کودکانی که در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند چیز دیگری است. بسیاری از این کودکان به دلایل مختلفی از جمله عدم توانایی پرداخت هزینه های تحصیل، عدم تمایل خانواده ها برای تحصیل کودکان شان، فاصله زیاد بین مدارس و خانه ها و... از تحصیل حتی در سطوح اولیه و ابتدایی محروم هستند.

در بسیاری از اسناد بین المللی به اجباری بودن آموزش توجه شده است. از جمله بند ۱ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: ... «آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش متوسطه باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره مند گردند.» ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک نیز از اجباری کردن آموزش ابتدایی و در دسترس قرار دادن آموزش متوسطه و عالی سخن گفته است. ملاحظه می گردد که در تمامی اسناد مذکور فقط از اجباری بودن آموزش در مقطع ابتدایی با قاطعیت سخن گفته شده است و الزامی که برای گسترش آموزش متوسطه و عالی در سطح بین المللی وجود دارد فقط در حد در دسترس قرار دادن و تعمیم این آموزش هاست نه اجباری بودن آن ها.

۱. اصل ۱۹ قانون اساسی بیان می دارد: مردم ایران از هر قوم و قبیله ای هستند که از حقوق مساوی هستند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها باعث نمی شود.

به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که مانع از اجباری شدن آموزش در مقطع متوسطه و عالی می‌گردد، وضعیت کشورها به لحاظ اقتصادی است. اولین اقدامی که دولت‌ها برای اجباری کردن آموزش می‌نمایند، رایگان کردن آن است؛ چراکه نمی‌توان افراد را مجبور به آموزش دیدن نمایند درحالی‌که برای آن‌ها صرف هزینه به دنبال دارد و از آنجایی‌که دولت‌ها هنوز به لحاظ اقتصادی به حدی نرسیده‌اند که بتوانند این هزینه‌ها را خود بپردازند. لذا از ارائه آموزش رایگان در مقطع متوسطه و عالی صرف‌نظر می‌نمایند.

دومین دلیل مربوط به وضعیت اقتصادی خانواده‌ها می‌گردد، بیشتر خانواده‌ها درآمد کودکانشان را که در سن تحصیل در مقطع متوسطه و عالی قرار دارند، نیاز دارند و لذا از تحصیل آن‌ها ممانعت به عمل می‌آورند. به همین دلیل است که آموزش دیدن در این مقاطع همه‌گیر نیست.

لذا با توجه به اینکه کنوانسیون‌ها تلاش به جذب حداکثری کشورها دارند، آن‌ها بیشتر پافشاری خود را بر حداقل‌هایی قرار می‌دهند که بتواند به عضوگیری حداکثری بینجامد اما اثبات‌ش نافی ما عدا نمی‌کند و همین که این کنوانسیون‌ها سطوح متوسطه و عالی را بیان داشته‌اند، نشان‌دهنده آن است که این کنوانسیون‌ها دغدغه این مقاطع را نیز دارند. اما با توجه به دلایلی که بیان شد، آن‌ها را در حد الزام بیان نمی‌کنند و ایجاد شرایط تحصیل در سطوح متوسطه و عالی را بیشتر به صورت توصیه‌ای بیان می‌کنند.

۶. حق آموزش کودکان در ایران

اما در نظام حقوقی ایران نیز علاوه بر تصریح اصل سی‌ام و بند سوم اصل سوم قانون اساسی و مواد اول و دوم قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیلی کودکان ایرانی بر حق تحصیل و آموزش می‌توان به این قوانین اشاره نمود: قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل کودکان و جوانان ایرانی (۱۳۵۴) مبنی بر اجباری بودن آموزش و پرورش در ایران برای کلیه افراد قانون تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی (۱۳۶۹) اساسنامه سازمان آموزش و پرورش استثنایی (۱۳۷۰)، قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی (۱۳۶۷) و اصلاحیه آن سیاست‌های سوادآموزی (۱۳۸۵)، طرح اجرایی سوادآموزی (۱۳۶۶)، اساسنامه طرح شاهد (۱۳۶۹) به همراه اصلاحات مربوط اساسنامه سازمان دانش‌آموزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸) و ماده واحده ایجاد شرایط تسهیل زمینه‌های ادامه تحصیل دانش‌آموزان (۱۳۸۸) اشاره کرد. در چند سال اخیر وزارت آموزش و پرورش در زمینه آموزش‌های مقطع ابتدایی قدم‌های چشمگیری برداشته است.

در آماري که به تازگی از سوی وزیر آموزش و پرورش در رسانه‌های جمعی عنوان شد، حدود ۹۶ درصد جمعیت واجب‌التعلیم توسط این وزارتخانه تحت پوشش قرار گرفته‌اند که شامل جمعیت روستایی به‌ویژه دختران واجب‌التعلیم این جوامع می‌شود. با وجود این پیشرفت‌ها، هنوز تعداد زیادی از دختران در ایران از آموزش محروم هستند. متأسفانه فرهنگ حاکم بر جوامع روستایی و بعضی عوامل دیگر مانع از ادامه تحصیل دختران روستایی

در مقاطع بعد از دوره ابتدایی می‌شود. در استان‌های محروم مانند سیستان و بلوچستان تعداد کمتری از معلمان مایل‌اند در نقاط روستایی و کوچ‌نشین با جمعیت پراکنده تدریس کنند (عباسی، ۱۳۸۹: ۸). این بدین معناست که اکثر معلمان این مناطق را مشمولان خدمت سربازی تشکیل می‌دهند و خانواده‌ها این افراد را مناسب برای تدریس دختران نمی‌دانند. آرمان دستیابی به نظم نوین و مطلوب جهانی ایجاب می‌کند تا با در پیش گرفتن تدابیری سنجیده قدم در راه تلاش برای وصول به تعهدات کنوانسیون حقوق کودک و توصیه‌های کمیته برداریم. بر این بنیاد باید: الف. تحصیلات اجباری و رایگان را پس از سال پنجم دوره ابتدایی گسترش دهیم و این طرح را بدون تأخیر اجرا کنیم؛ ب. از اینکه همه کودکان از جمله کودکان پناهنده بدون تبعیض مبتنی بر جنسیت، منشأ قومی، ملیت یا بی‌تابعیتی از فرصت‌های آموزشی برابر در همه مقاطع نظام آموزشی برخوردار باشند، اطمینان حاصل کنیم؛ پ. نابرابری‌ها در زمینه منابع فراهم‌شده برای مدارس در مناطق شهری و روستایی را به‌منظور تضمین فرصت‌های برابر آموزشی در سراسر کشور برطرف کنیم.

۱-۶. الحاق ایران به کنوانسیون

دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۴ مهر سال ۱۳۷۰ پیمان جهانی حقوق کودک را امضا کرد و در اسفند سال ۱۳۷۲ به‌موجب ماده واحده‌ای که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شد. الحاق مذکور مشروط بر آن است که مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان، در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، از طرف جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد. در آذر ۱۳۷۶ ایران گزارش مقدماتی خود را به کمیته حقوق کودک تقدیم کرد که کمیته پس از بررسی مقدماتی، سؤالاتی را از ایران برای تبیین بیشتر اطلاعات ارائه شده مطرح کرد. کنوانسیون حقوق کودک در ایران ویژگی‌های خاص خود را دارا است. از جمله: امضا آن توسط کشور ایران، انعطاف‌پذیری، جامعیت، حاصل تجربیات کارشناسان، توجه به کودک به‌عنوان موجودی مستقل، تأکید بر دخالت دولت، گستردگی مجریان، توجه به نهاد خانواده و اولویت دادن به منافع کودکان، اما عدم رعایت یا عدم توجه به بعضی از این ویژگی‌ها در ایران مانع از اجرای کامل این کنوانسیون می‌شود.

۱-۶-۱. پذیرش مشروط کنوانسیون

الحاق مشروط ایران به کنوانسیون به این معنی است که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد، از طرف ایران لازم‌الرعایه نباشد. از ویژگی‌های دیگر این کنوانسیون در ایران گستردگی مخاطبان آن است که دلیل این امر هم قرار گرفتن نیمی از افراد جامعه زیر ۱۸ سال طبق ماده یک این پیمان‌نامه است، هرچند که ایران تغییراتی را بر اساس قوانین داخلی خود در این ماده به وجود آورده و گاهی آن را به ۱۵ و ۱۶ سال کاهش داده؛ ولی با توجه به جوان بودن جمعیت ایران باز گستره مخاطبان آن به‌مراتب بیشتر از

سایر کشورهاست و این امر نشان از لزوم توجه بیشتر مسئولان به این قضیه است که به نظر می‌رسد در جهت عکس عمل می‌شود، یعنی به جای توجه بیشتر، یا کمتر توجه می‌شود یا اصلاً توجهی نمی‌شود. یکی از ویژگی‌های کنوانسیون انعطاف‌پذیری آن است؛ یعنی قابلیت اجرایی کنوانسیون در کشورها با وجود تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و... ولی متأسفانه این ویژگی در ایران رعایت نمی‌شود و به عبارت دیگر کنوانسیون حقوق کودک در ایران انعطاف‌پذیر نیست.

هرچند دولت جمهوری اسلامی ایران با امضا کنوانسیون گام مهمی در جهت احقاق حقوق کودکان برداشته است و نشان از اعتقاد و احترام آنان نسبت به حق و حقوق کودکان است، اما پذیرش مشروط این کنوانسیون توسط دولت جمهوری اسلامی و گنجانیدن ماده و تبصره‌هایی به تمامی ماده‌های آن، از جمله تعریف کودک، عدم تبعیض بین کودکان، رعایت منافع کودکان، حق حیات، حق کسب هویت، حق زیستن با والدین، حق ورود یا ترک کشور به منظور پیوستن به والدین، حق ابراز عقیده، حق دسترسی به اطلاعات، حق آزادی تفکر و مذهب، حق خلوت، مسئولیت مشترک والدین، ممنوعیت رفتار خشن با کودکان، امکان زیستن در خانواده، حق کودکان پناهنده، کمک به کودکان معلول، حق برخورداری از بالاترین استاندارد و زندگی مناسب، حق آموزش و تحصیل و همچنین عدم توجه به بعضی از حقوق ابتدایی کودکان از جمله حق تفریح و بازی، عملاً اجرای کنوانسیون حقوق کودک را در ایران با مشکل روبه‌رو کرده است و نکته جالب‌تر اینکه حتی در مواردی که طبق قوانین داخلی حقوقی برای کودک در نظر گرفته شده، همان حقوق هم عملی و اجرایی نشده است (ذبیحی، ۱۳۹۵: ۱۷).

۶-۲. حق آموزش در قانون اساسی

قانون اساسی که بنیادی‌ترین و اصلی‌ترین قانون کشور است بر حق تحصیل و آموزش رایگان برای تمام مردم تأکید می‌کند. اصل ۳۰ این قانون به این نکته می‌پردازد که «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». پیرامون این اصل، شورای نگهبان دو نظریه تفسیری ارائه داده است.

در نظریه شورای نگهبان شماره ۱۵۴۳، مورخ ۱۳۶۳/۰۵/۱۷ آمده: اصل سی‌ام قانون اساسی و بعضی اصول مشابه آن مسیر سیاست کلی نظام را تعیین می‌نماید و مقصود این است که دولت امکاناتی را که در اختیار دارد، در کل رشته‌هایی که در قانون اساسی پیشنهاد شده، به طور متعادل طبق قانون توزیع نماید، بنابراین آموزش رایگان در حد امکان کلاً یا بعضاً باید فراهم شود و با عدم امکانات کلی، دولت با رعایت اولویت‌ها مثل ترجیح مستضعفان و مستعدان بر دیگران اقدام می‌نماید. لازم به تذکر است که مستفاد از اصل سی‌ام قانون اساسی دولتی بودن آموزش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی به موجب قوانین عادی نیست. علی‌هذا مادام که دولت از امکانات فراهم کردن وسایل آموزش رایگان برخوردار نیست، عمل به مصوبه شورای انقلاب مغایر با قانون اساسی نیست.

همچنین شورای نگهبان در نظریه دیگری به شماره ۵۵۷۸، مورخ ۱۳۶۰/۰۲/۰۸ در پاسخ به استفسار دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به امکان دریافت شهریه از دانشجویان دانشگاه‌ها گفته است:

«با توجه به این که از اصل سی‌ام قانون اساسی دولتی بودن آموزش و پرورش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی استفاده نمی‌شود، چنانچه تأسیس مدارس و آموزشگاه‌های ملی در کشور آزاد اعلام شود، اضطراب دولت به دریافت شهریه مرتفع می‌گردد و چنانچه با تأسیس مدارس ملی رفع اضطراب نشود تفسیر قانون اساسی قابل بررسی خواهد بود.»

علاوه بر قانون اساسی، قانون «تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» مصوب ۱۳۵۳ در زمینه حق تحصیل وجود دارد که در ماده (۱) آن می‌گوید: «کلیه اطفال و جوانان ایرانی که واجد شرایط تحصیل می‌باشند باید بدون هیچ‌گونه مانعی به تحصیل پردازند و هیچ‌کس نمی‌تواند آنان را از تحصیل بازدارد، جز با مجوز قانونی.»

همچنین در این قانون به الزام ثبت‌نام کودکان در تعلیمات ابتدایی و راهنمایی تأکید شده و آمده:

«در هر محل که بر اساس قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی مصوب موجبات تحصیل مراحل تعلیمات ابتدایی و راهنمایی که اجباری و مجانی است فراهم و اعلام شده باشد. پدر یا مادر یا سرپرست قانونی کودک که وظیفه نگهداری و تربیت کودک بر عهده اوست، موظف است نسبت به ثبت‌نام و فراهم کردن موجبات تحصیل کودک تحت سرپرستی خود اقدام کند و در صورتی که از انجام این وظیفه خودداری نماید، وزارت آموزش و پرورش نسبت به ثبت اسامی کودکان مندرج در آمار ارسالی اداره کل ثبت‌احوال موضوع تبصره ماده ۵ قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی و همچنین نسبت به ثبت‌نام کودک واجد شرایط تحصیل در مراحل اول و دوم موضوع ماده ۲ قانون اصلاح قانون مذکور اقدام خواهد نمود.»

علاوه بر این، بر تحصیل در مقطع بالاتر از راهنمایی نیز اشاره شده و آمده:

«پدر یا مادر یا سرپرست قانونی نوجوان کمتر از هیجده سال مکلف است به ثبت‌نام نوجوانی که دوره راهنمایی را طی نموده و طبق ضوابط وزارت آموزش و پرورش برای تحصیلات بالاتر مستعد شناخته می‌شود اقدام نماید و وسایل ادامه تحصیل او را فراهم کند و در صورت عدم تمکن مالی، دولت مکلف است، امکانات لازم را برای ادامه تحصیل این قبیل نوجوانان با رعایت ماده ۶ این قانون فراهم نماید. مرجع و ضوابط تشخیص عدم تمکن مالی پدر یا مادر یا سرپرست در آیین‌نامه‌ای که توسط وزارت آموزش و پرورش تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید تعیین می‌شود.»

نتیجه‌گیری

حق بر آموزش برای برآورده شدن نیازهای آموزش‌پذیرها یک ضرورت بنیادین است. این حق به‌عنوان یک حق بشری بیان می‌دارد که همه افراد، کودکان و بزرگسالان حق دارند از آموزشی بهره‌مند شوند که برای توانمندسازی آنان در جهت رشد و توسعه علمی، فرهنگی، اجتماعی و انسانی آن‌ها طراحی شده باشد. این نوع از آموزش

توانمندی‌های لازم را برای شرکت فعال فرد در زندگی آورد و زمینه‌ای برای تقویت حقوق بشر احترام به عقاید مخالف و گسترش اجتماعی فراهم صلح و توسعه پایدار است.

در تمامی اسناد بین‌المللی، همچون اولین سند حامی حق آموزش اعلامیه جهانی حقوق بشر و بعد از آن کنوانسیون حقوق کودک، آموزش در مقطع ابتدایی اجباری و همگانی شمرده شده و الزام کشورها در رایگان نمودن آن به چشم می‌خورد و در خصوص مقاطع بعدی آموزش متوسطه و عالی تنها الزامی که برای کشورها اندیشیده شده است، سعی در ترویج و در دسترس قرار دادن آن است. اقدامات مؤسسات حامی حقوق کودک همچون یونسکو و یونیسف نیز در همین چارچوب خلاصه می‌گردد.

در همین راستا لازم است دولت با توجه به مؤلفه‌هایی که در اسناد بین‌المللی بیان شده است، سطوح بالاتری از آموزش را فراهم بیاورند. در همین راستا قانون‌گذار اساسی ایران با ابتکاری هوشمندانه نه تنها آموزش تا دوره متوسطه را الزامی و رایگان دانسته است، بلکه آموزش عالی را نیز تا حد وسیعی به صورت رایگان پیش‌بینی کرده است. برخی کشورهای دیگر در مناطق مختلف جغرافیای نیز با توجه به امکاناتی که در اختیار داشته‌اند، اکتفا به آموزش‌های سطح ابتدایی نکرده و امکان آموزش در سطوح بالاتر را نیز برای افراد مستعد فراهم کرده‌اند؛ اما در مقابل دولت‌ها در جهت گریز از مسئولیت‌پذیری در بسیاری از موارد آموزش رایگان را تنها مربوط به دوره ابتدایی دانسته‌اند. کنوانسیون به صورت التزامی مشعر بر آموزش سطح بالاتر نیز هست؛ زیرا هدف که زندگی بهتر است، صرفاً به واسطه آموزش‌های ابتدایی محقق نمی‌شود و اگر هدف بهره‌مندی از این امر است باید شرایط تحصیلاتی فراتر نیز مهیا شود. لذا کشورها نیز باید با توجه به این مسئله اقدام به قانون‌گذاری در حوزه آموزش کنند، به بیان دیگر دستیابی که زندگی بهتر که حق کودک است مبتنی بر آموزش در مقاطع بالاتر از ابتدایی نیز است و همان‌طور که آموزش دارای وسعت گسترده‌ای است و مشمول آموزش مهارت‌ها می‌شود نیز مشمول سطوح مختلف آموزشی نیز می‌شود.

اما در حقوق ایران از حیث قانون‌گذاری در مورد تضمین این حق توسط والدین، خلأ و اجمال دیده می‌شود. اصل ۳۰ قانون اساسی تنها به اجباری و رایگان بودن آموزش کودکان اشاره دارد بدون اینکه درصدد بیان کیفیت آموزش کودک خصوصاً توسط والدین برآید در این زمینه مواد کنوانسیون حقوق کودک کارآمدی بیشتری دارد و باید توجه بیشتری به آن شود. آموزه‌های اسلامی همواره در تعلیم خود به این امر توجه کرده است و عدم انعکاس آن در قوانین بشری، نقصی است که باید هنگام تنظیم قوانین و مقررات مورد توجه قرار گیرد. لذا ضروری است حق تعلیم کودک توسط والدین به رسمیت شناخته شود و تضمین‌های قانونی برای حمایت از کودک در برابر والدین وضع شود تا علاوه بر نهادهای دولتی نهاد خانواده نیز به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی در راستای اجرای این حق مسئول شناخته شود.

فهرست منابع

- انوشه، مهدی؛ (۱۳۸۹). «حق بر آموزش حداقلی در چهارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر»، تهران: پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- اسدی‌نژاد، محمد؛ رستمی، عباداله؛ مرادی، فاطمه؛ (۱۳۹۴). «حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر»، دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، سال بیستم، شماره ۶۴.
- اکبری، اسما؛ عباسی، عاطفه؛ (۱۳۹۷). «رویکردی بر حق تعلیم کودک توسط والدین در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی»، دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، مقاله ترویجی، دوره ۲۶، شماره ۷۴.
- امیری، محمدعلی؛ (۱۳۸۶). *تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات سازمان.
- پور متقی، محمدعلی؛ سادات پرن، هدی؛ (۱۳۹۹). «حق بر آموزش کودکان توان‌خواه ذهنی از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران»، تهران: فصلنامه حقوق کودک، سال دوم، شماره ۷.
- شریفی، سیما؛ (۱۳۸۹). «حمایت از حق آموزش کودکان در پرتو اسناد بین‌المللی»، تهران: پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور.
- بلیغ، ناهید؛ (۱۳۸۳). *کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران*، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ذبیحی، محسن؛ (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی حق بر آموزش کودکان در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی»، تهران: پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور.
- عباسی، عاطفه؛ (۱۳۸۹). «بررسی مقایسه‌ای قوانین و مقررات ایران با کنوانسیون حقوق کودک»، دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده.
- کاظمی‌پور، ابراهیم؛ (۱۳۹۴). *آموزش در جامعه اطلاعاتی*، تهران: انتشارات کمیسیون ملی یونسکو ایران.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر؛ (۱۳۸۲). *حقوق بشر و آزادی‌های عمومی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مؤمنی، عباس؛ (۱۳۹۲). «کودکان، پناهندگان و حق بر آموزش سیستم بین‌المللی حقوق بشر»، تهران: پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور.
- هاشمی، سید محمد؛ (۱۳۸۳). *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

References

- Beiter KD, 2006, 'The protection of the right to education by international law, Social and Cultural Rights. Martinus Nijhoff publisher.

- Bigdeli M. '2007' The rights of children and child with disability in domestic and international law. Educational Science: Education of exceptional.
- Daniel, John. '1999 'Right to education United nations Educational scientific and General Comment 13on the Right to education.
- Detrick, Sharon, 1999 'Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child: Martinus Nijhoff Publishers.
- Eide, Absjorn '2001', Economic, social and cultural Rights, Norwegian instituted of Human rights, Norway.
- H. Spring, Joel, '2000 ,the Universal Right to Education: Justification, Definition and Guidelines: Lawrence Associates.
- Mirmohammadi M. Researches: child rights (The rights of children with disabilities) 2021 .Qom: Mofid University.
- Kewalramani, Angelina, '2017, Status and Trends in the Education of Racial and Ethnic Minorities: Diane Publishing.
- UNICEF. Every child learns: UNICEF education strategy -2030-2019. NY: UNICEF; 2019.
- Verhellen, Eugene, 2001, Convention on the Rights of the Child: Background, Motivation, Strategies, Garant Publishers.
- World Health Organization and UNICEF, 2013, Global Strategy for Infant and Young Child Feeding: Nonserial Publications.

In Persian

- Abbasi, Atefeh, 2010, a comparative study of Iran's laws and regulations with the Convention on the Rights of the Child, biannual scientific journal of jurisprudence and family law.
- Akbari Asma, Abbasi Atefeh, 2017, an approach to the right of parents to educate the child in domestic laws and international documents, two-quarter academic journal of jurisprudence and family law / promotional article / volume 26, number 74
- Amiri Mohammad Ali, 2007, thinking about the future developments of education, organization publications, Tehran
- Anoushe Mehdi, 2010, The Right to Minimum Education in the Framework of the International Human Rights System, Master's Thesis, Allameh Tabatabai University, Tehran

- Asadinejad Mohammad, Rostami Ebadollah, Moradi Fatemeh, 2014, The right to education and upbringing of the child in Iran's laws and human rights documents, biannual scientific journal of jurisprudence and family law, 20th year, number 64
- Baligh Nahid, 2004, Convention on the Rights of the Child and its effectiveness in Iran's internal law, Tehran University School of Law and Political Science publications.
- Hashemi, Seyyed Mohammad, 2004, Human Rights and Basic Freedoms, first edition of Mizan Publishing House, Tehran.
- Kazemipour, Ebrahim, 2014, Education in the Information Society, Publications of Iran National Commission of UNESCO, Tehran
- Momeni, Abbas, 2013, children, refugees and the right to education in the international human rights system, Master's thesis of Payam Noor University, Tehran
- Pour Motaghi, Mohammad Ali, Sadat Paren, Hodi, 2019, The right to education of mentally challenged children from the perspective of international human rights documents and Iranian rights, Children's Rights Quarterly, 2nd year, 7th issue, Tehran
- Sharifi, Sima, 2010, supporting children's right to education in the light of international documents, Master's thesis of Payam Noor University, Tehran
- Tabatabai Moetamani, Manouchehr, 2003, Human Rights and Public Freedoms, Tehran University Publications
- Zabihi Mohsen, 2015, a comparative study of the right to education of children in Iranian, French and international laws, Master's thesis of Tehran Payam Noor University